

**The role of family in monitoring and moral control of children in social
networks**

Karim Khanmohammadi¹

Received: 07/10/2020

Ali Akbar Shamel²

Accepted: 22/06/2021

Abstract

The arrival, learning and availability of social networks has caused many harms to adolescents and young people, and many of the harms of these networks have caused problems in the family. These injuries directly affect adolescents and young adults, including fraud, hacking, contact with unhealthy people, and contact with the opposite sex. The family is a safe place for all members to minimize the harm of social networks, but in many cases, it is possible to protect children from the potential dangers of these networks by monitoring and controlling children, and this Unauthorized monitoring and control is an example of a violation of children's privacy. Thinking about demarcating privacy on the one hand and maintaining family security and peace on the other hand has created a conflict between these two tasks, namely maintaining security and not violating privacy. This article uses a descriptive-analytical method and with reference to the original Islamic sources, seeks to answer the question of whether the family can monitor the intrusion into users' systems and their information and communications to maintain their security or not. ? The present article followed the finding that due to more interests (otherworldly interests and the number of people), compliance with moral goals and maintaining the dignity of individuals, maintaining family security and the user of the moral principle is ambiguous.

Keywords: family, ethics, virtual social networks, observation, control.

1. Associate Professor and Faculty Member, Department of Cultural Studies and Communication, Baqer al-Uloom University (Responsible Author) (khanmohammadi@bou.ac.ir)

2. PhD student in Islamic Education, Qom University of Education (alishameli1365@gmail.com)

نقش خانواده در رصد و کنترل اخلاقی فرزندان در شبکه‌های اجتماعی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۱۶

کریم خان محمدی*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۱

علی اکبر شاملی**

چکیده

ورود، فراگیری و دردسترس بودن شبکه‌های اجتماعی موجب بروز آسیب‌های متعددی به نوجوانان و جوانان و سبب بروز مشکلاتی در عرصه خانواده شده است. این آسیب‌ها مستقیم بر نوجوانان و جوانان تأثیر می‌گذارند که از آن جمله می‌توان به کلاه برداری، هک، ارتباط با افراد ناسالم و ارتباط با جنس مخالف اشاره کرد. خانواده محلی امن برای تمام اعضاست که وظیفه دارد آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی را به حداقل برساند. در موارد بسیاری، حفظ فرزندان از خطرات احتمالی این شبکه‌ها با رصد و کنترل آنان امکان‌پذیر است و این رصد و کنترل بدون اجازه، از مصادیق نقض حریم خصوصی فرزندان به شمار می‌رود. تفکر در مورد مرزبندی حریم خصوصی از یک سو و حفظ امنیت و آرامش خانواده از سوی دیگر موجب شده است تا تعارضی میان این دو وظیفه یعنی حفظ امنیت و عدم نقض حریم خصوصی ایجاد شود. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی و با رجوع به منابع اصیل اسلامی در پی پاسخ به این پرسش است که آیا خانواده می‌تواند برای حفظ امنیت خود به سیستم کاربران نفوذ و اطلاعات و ارتباطات آن‌ها را رصد کند یا خیر؟ مقاله حاضر این یافته را به دنبال داشت که به علت مصالح بیشتر (مصلحت اخروی و تعداد افراد)، مطابقت با اهداف اخلاقی و حفظ آبروی افراد، حفظ امنیت خانواده و خود کاربر اصل اخلاقی آهم است.

واژگان کلیدی: خانواده، اخلاق، شبکه‌های اجتماعی مجازی، رصد، کنترل.

* دانشیار و عضو هیئت علمی گروه مطالعات فرهنگی و ارتباطات دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام) (نویسنده مسئول)

khanmohammadi@bou.ac.ir

** دانشجوی دکتری رشته معارف اسلامی دانشگاه معارف قم alishameli1365@gmail.com

مقدمه

در سال‌های اخیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی گسترش بسیاری داشته است و دسترسی راحت و ارزان بودن این شبکه‌ها موجب شده است بسیاری آن‌ها را جایگزین تلفن و پیامک کنند. بیشترین استفاده‌کنندگان این شبکه‌ها قشر جوان جامعه هستند. شبکه‌های اجتماعی کارکردهای فراوانی برای این قشر دارند که برخی کارکردها، مثبت و برخی دیگر منفی هستند. برای مثال این شبکه‌ها می‌توانند در ارتباطات و جمع‌آوری اطلاعات برای جوانان و نوجوانان مفید باشند، اما وجود کانال‌های مستهجن، ارتباط با غیرهمجنس و فریب‌خوردن نیز در این شبکه‌ها آسان‌تر شده است.

پس از ورود این شبکه‌ها به جامعه ایران، برای بسیاری از خانواده‌ها دل‌نگرانی‌های بجایی ایجاد شده است. فرزندان اغلب ارتباطات و اطلاعات خود را از پدر و مادر مخفی می‌کنند. حال با چنین شرایطی خانواده‌ها چه وظایفی در برابر فرزندان‌شان می‌توانند داشته باشند؟ آیا باید رهایشان کنند و به حال خود بگذارند یا باید با قوه قهریه جلوی‌شان را بگیرند؟ آیا حذف شبکه‌های اجتماعی ممکن است؟ با گسترش آسیب‌های شبکه‌های اجتماعی این مسئله به میان آمد که وظایف خانواده‌ها چیست؟

یکی از وظایف مهم خانواده به‌عنوان جامعه‌ای کوچک، حفظ آرامش و امنیت همه افراد خانواده است. این وظیفه در ابتدا و بالذات متوجه سرپرست خانواده می‌شود و سپس بر عهدهٔ هریک از افراد خانواده است. بنا بر فرض اینکه سرپرست خانواده برای حفظ آرامش و امنیت خانواده بخواهد اطلاعات و ارتباطات فرزندان را کنترل کند، آیا این کار درستی است؟

این مسئله دو وجه دارد: نخست اینکه سرپرست خانواده با این کار اصلی اخلاقی به نام «احترام به حریم خصوصی افراد» را زیر پا گذاشته و این کار بی‌شک عملی غیراخلاقی است، از سوی دیگر اگر سرپرست خانواده فرزندان را رها کند، ممکن است امنیت خانواده که از وظایف اخلاقی اوست، از بین برود و این امر هم عملی غیراخلاقی است؛ بنابراین سرپرست خانواده در دوراهی اخلاقی قرار می‌گیرد که باید یکی را برگزیند. «ایجاد امنیت سایبری نیازمند رصد بیرونی خانواده است که با محافظت از حریم خصوصی فرزندان در تضاد خواهد بود. پرسش این است که در این دوراههٔ اخلاقی، کدام‌یک از دو اصل یعنی

حفظ حریم خصوصی یا حفظ امنیت، مقدم است؟» (Brey, 2007: 5-6). شاید بررسی این گونه دوراها با فقه یا حقوق، پاسخ روشنی ارائه دهند. برای مثال در قوانین فقهی مسئله ولایت پدر بر فرزند شاید بتواند به راحتی به این مسئله پاسخ دهد، اما مسئله این مقاله، اخلاقی است و براساس اصول اخلاقی مورد پذیرش عموم جامعه تهیه شده است.

پیش فرض مقاله آن است که جمع امنیت و حفظ حریم خصوصی در این مسئله امکان پذیر نیست. در مواردی این امکان وجود دارد که خانواده بتواند ضمن ارتباط صحیح با فرزندان، از اطلاعات و ارتباطات آنها مطلع شود، اما با فرض اینکه فرزندان اطلاعات و ارتباطات خود را از پدر و مادر مخفی کرده و راه دیگری جز سرک کشیدن به کامپیوتر یا موبایل آنان وجود ندارد، کدام یک از این دو اصل (احترام به حریم خصوصی و حفظ امنیت خانواده) بر سرپرستان خانواده ضروری است؟ بنابراین تعارض های ابتدایی، مسئله این مقاله نیست بلکه تعارض هایی مدنظر است که پیش از آن، همه راه های موجود دیگر امتحان شده باشد و مسئله حل نشود. این مقاله با روش تحلیلی و توصیفی و یاری جستن از منابع اصیل دینی و حکم عقل، در مقام پاسخ به این پرسش برآمده است.

۱. پیشینه تحقیق

مسئله نظارت و کنترل اجتماعی نخستین بار توسط جرمی بنتام^۱ (۱۷۸۷) مطرح شود. بنتام با طرح ایده کنترل زندان توانست الگویی برای نظارت مخفی ایجاد کند. پس از او نیز فوکو (۱۹۷۵) با درونی کردن نظارت اجتماعی گام بلندی در شیوه کنترل اجتماع برداشت. پس از آن بود که مسئله نظارت اجتماعی و پیامدهای آن توسط محققان زیادی در غرب مورد بررسی قرار گرفت.

یکی از محققان مطرح در حوزه نظارت اجتماعی و مسئله حریم خصوصی در فضای مجازی، گری مارکس^۲ است. او در مقاله های متفاوتی مانند «حریم خصوصی و فناوری»^۳

1. Bentham
2. Gary Marx
3. Privacy and Technology

«اخلاق برای نظارت جدید»،^۱ «فناوری و کنترل اجتماعی»،^۲ «مهندسی کنترل اجتماعی: سیاست‌گذاری و فناوری»،^۳ «چشم‌اندازی در مورد [حفظ] حریم خصوصی کاربران برخط»^۴ و «به سوی یک سیستم عالی نظارت اخلاقی»،^۵ به بررسی رصد در فضای مجازی پرداخته است. او به‌عنوان یک جامعه‌شناس در مقاله «حریم خصوصی و فناوری» به بحث رصد اینترنتی و رابطه آن با نقض حریم خصوصی می‌پردازد و پیامدهای اجتماعی این نوع رصد را گوشزد می‌کند. در مقاله «اخلاق برای نظارت جدید» نیز پس از معرفی مدل اخلاقی نظارت که در سال ۱۹۷۳ توسط سازمان بهداشت، آموزش و رفاه ایالات متحده امریکا ارائه شد، ادعا می‌کند این مدل جامع نیست و به علت پیچیدگی رایانه و نظارت‌های جدید، نیازمند چهارچوب پیچیده‌تری است. او می‌کوشد با تجزیه و تحلیل عناصر مختلف نظارت، اخلاق جمع‌آوری اطلاعات خصوصی افراد را پی‌ریزی کند.

از نمونه‌های نزدیک به مسئله حاضر، مقاله «نظارت بر اینترنت و تربیت [کودکان] در عصر دیجیتال: مورد شانگهای»^۶ است. این مقاله موضوع اعتماد به نفس والدین در نظارت اینترنتی در شانگهای را بررسی می‌کند. این مطالعه روش‌های والدین شهر شانگهای در نظارت بر استفاده از اینترنت کودکان، اعتماد والدین در کمک به کودکان برای بهره‌مندی از اینترنت و محافظت از آن‌ها در برابر تهدیدهای احتمالی و عوامل مؤثر بر اعتماد والدین در فعالیت‌های فرزندپروری را بررسی می‌کند. مورد هدف خانواده‌هایی با فرزندان ۹-۱۷ سال بودند. گرچه این مقاله به بررسی روش‌های حل این تعارض‌ها نپرداخته است، اما در معرفی این مسئله بسیار راهگشا بوده است.

۲. تعریف مفاهیم

از آنجاکه معمولاً درباره مفاهیم علوم اجتماعی اجماع نظر وجود ندارد، برای پیراستن موضوع و شفاف‌کردن مفاهیم، به تعریف مهم‌ترین مفاهیم این حوزه پرداخته می‌شود.

1. An Ethics for the New Surveillance
2. Technology and Social Control
3. The Engineering of Social Control: Policing and Technology
4. A Perspective on Consumer Privacy Online
5. Toward an Imperial System of Surveillance Ethics
6. Internet Supervision and Parenting in the Digital Age: The Case of Shanghai

۲-۱. شبکه‌های اجتماعی مجازی

اگرچه جعل واژه شبکه‌های اجتماعی در سال ۱۹۴۵ توسط جی. ای بارنز صورت پذیرفت، اما مفهوم شبکه‌های اجتماعی به زمان‌های بسیار دور بازمی‌گردد؛ چنان‌که خانواده کوچک‌ترین شبکه‌های اجتماعی است.

بارنز از واژه شبکه اجتماعی برای ارتباط میان افراد روستایی در نروژ استفاده کرد و به این نتیجه رسید که می‌توان زندگی هر فرد را نقطه‌ای فرض کرد و این نقاط را در زندگی اجتماعی به وسیله خطوطی به یکدیگر اتصال داد. از طریق این خطوط، شبکه‌ای به دست می‌آید که نشان‌دهنده ارتباط میان افراد در شبکه اجتماعی است (Cross, 2006: 12). اصطلاح شبکه‌های اجتماعی به روابط اجتماعی به دست‌آمده در میان افراد مانند روابط افراد با خانواده، روابط روستاها، جوامع و مناطق مختلف اشاره دارد. روابط خویشاوندی معمول‌ترین مثال برای این ارتباطات و تشکیل شبکه‌های اجتماعی است (Lazer, 2008: 2). برای شبکه‌های اجتماعی سایبری تعاریف بسیاری آورده شده است. بوید و الیسون در تعریف شبکه‌های اجتماعی می‌گویند: «شبکه‌های اجتماعی سرویسی خدماتی تحت وب هستند که به افراد اجازه می‌دهند پروفایلی عمومی یا نیمه‌عمومی در داخل سیستم بسازند، به فهرست مفصل ارائه‌شده از کاربران و ارتباطات‌شان در داخل شبکه دسترسی داشته باشند، و اطلاعات ارائه‌شده توسط سایر کاربران در داخل شبکه را مرور و ملاحظه کنند» (Boyd & Ellison, 2007: 211).

همچنین راین گلد در استدلالی می‌گوید: «شبکه اجتماعی سایبری، معمولاً به معنای شبکه الکترونیکی ارتباطات متقابل است که محدوده‌اش را خود تعریف می‌کند و درباره‌ی علاقه یا هدف مشترکی تشکیل شده است. گرچه گاهی ایجاد ارتباط فی‌نفسه به هدف تبدیل می‌شود» (کاستلز، ۱۳۸۰: ۳۸۶). گلد معتقد است اجتماع مجازی دارای اجزایی است که عبارتند از: روابط فردی سازنده شبکه اجتماعی، دسترسی آسان و آزاد به اجتماع، ملاقات‌های شخصی، دیالوگ، بازخورد و تقسیم جزئیات، و تاریخ مشترک (Gattiker et al, 2001: 167).

شبکه‌های اجتماعی مجازی، انسان‌ها را قادر می‌سازند با تعداد زیادی از دوستان که از نظر جغرافیایی پراکنده هستند، ارتباط برقرار کنند و احتمالاً بخش بزرگی از کاربران آن جوانان هستند. والتر و رامیرز نیز ادعا می‌کنند «فیسبوک بزرگ‌ترین ابزار سیستم‌های شبکه

اجتماعی است که تاکنون مورد بررسی قرار گرفته است. این سیستم‌ها راه‌های جدید چشمگیری را برای نگهداری روابط فراهم می‌کنند» (Walther & Ramirez, 2009: 302). شاید به جرئت بتوان گفت بزرگ‌ترین دولت‌ها را شبکه‌های اجتماعی تشکیل داده‌اند که بیشترین اعضا و اطلاعات را در اختیار دارند.

شبکه‌های اجتماعی هم دارای کارکردهای مثبت هستند و هم کارکردهای منفی. برخی کارکردهای مثبت آن عبارتند از: راحتی ارتباط، استفاده علمی، تشکیل گروه‌های خانوادگی و ایجاد محبت و همبستگی میان آنان. در برابر این مزایا، کارکردهای منفی این شبکه‌ها نیز شامل رعایت نکردن شئون عفت، هرزه‌بینی و هرزه‌نگاری، توهین، انتشار اطلاعات خصوصی افراد، ارتباط احساسی با غیرهمجنس، اطلاعات زیاد ولی بی‌فایده و کلاه‌برداری و هک می‌شود. باوجوداین، دو نوع کارکرد و فضای حاضر این شبکه‌ها را نمی‌توان به‌طورکلی از زندگی‌ها حذف کرد، بلکه باید با قراردادن فرزندان در مسیر درست و کنترل آنان کوشید از آسیب‌ها دورشان کرد و به سوی استفاده صحیح از فضای مجازی کشاند.

۲-۲. حریم خصوصی

به علت وجود تفاوت در مبانی فلسفی، انسان‌شناختی و جامعه‌شناختی حریم خصوصی، مفهوم واحدی از آن به دست نیامده است. فیلسوفان، نظریه‌پردازان حوزه حقوق و علوم سیاسی و نیز جامعه‌شناسان، اغلب با مشکلات زیادی در دستیابی به مفهومی رضایت‌بخش روبه‌رو بوده‌اند (Westine, 1969: 3)؛ بنابراین بسیاری از اندیشمندان به جای تبیین مفهوم حریم خصوصی در پی معرفی مصادیق این حریم خصوصی بوده‌اند. فلاحرتی به‌صورت کلی حریم خصوصی را حقوقی مانند حق خودمختاری فردی، حق تنهابودن، حق زندگی خصوصی، حق کنترل اطلاعات در مورد خود، حق محدودکردن دسترسی، حق کنترل انحصاری دسترسی به حوزه‌های خصوصی، حق به‌حداقل رساندن نفوذ، حق انتظار محرمانه‌بودن، حق لذت‌بردن از تنهایی، حق لذت‌بردن از صمیمیت، حق لذت‌بردن از ناشناس‌بودن، حق استفاده از ذخایر و حق محرمانه‌بودن معرفی می‌کند (Flaherty, 1989: 8).

برخی حریم خصوصی را حقی برای افراد در بهره‌مندی از حمایت‌شدن در برابر

مداخله دیگران در زندگی شخصی و خانوادگی چه با ابزار مستقیم و چه غیرمستقیم می‌دانند (Shostack & Syverson, 2004: 31).

برخی دیگر نیز ارکانی برای این حریم خصوصی مشخص کرده‌اند؛ برای مثال خانم روت گیسون سه رکن اساسی یعنی محرمانگی (رازداری)، گمنامی (ناشناسی) و خلوت (انزوا و تنهابودن) را برای حریم خصوصی در نظر گرفته است (ایران‌پور، ۱۳۹۱: ۳۲)؛ بنابراین مفهوم و ماهیت حریم خصوصی از مقوله‌های نسبی است و براساس زمان و مکان و باورهای اجتماعی متفاوت است و تعریف مورد وفاقی از آن وجود ندارد و به همین دلیل برای شناخت و تعریف آن باید از معیارهای شخصی و نوعی استفاده کرد. حریم خصوصی جایی است که فرد در آن احساس امنیت کند و این احساس سبب شود اطلاعات و وسایل گرانبهای خود را در آنجا قرار دهد تا از دسترس دیگران دور باشد. حریم خصوصی در شبکه‌های اجتماعی سایبری به معنای حفظ اطلاعات و ارتباطات شخصی از دید عموم و فقدان سوءاستفاده از این اطلاعات و ارتباطات علیه کاربر است؛ بنابراین هر کاربر در شبکه‌های اجتماعی، دارای اطلاعات و ارتباطات شخصی است که دوست ندارد برای همگان مشخص شود یا از آن سوءاستفاده کنند. «در موارد بسیاری، حریم خصوصی افراد در شبکه‌های اجتماعی و اینترنت توسط افراد مختلفی از جمله کارفرمایان، خانواده‌ها، ارائه‌دهندگان اینترنت و دولت‌ها نقض می‌شود» (Bennett, 2001: 197).

۳-۲. امنیت

یکی از مطالبات همیشگی انسان‌ها، امنیت بوده است. بدون امنیت زندگی آدمی دچار مشکل شده و از بین خواهد رفت. حس آرامشی که از وجود امنیت به دست می‌آید، با هیچ حس دیگری قابل قیاس نیست. مسئله اساسی این است که امنیت از مسائلی است که نیاز به تعریف ندارد و خودش، خودش را تعریف خواهد کرد؛ اما در این مقاله می‌کوشیم براساس گستردگی در معنای امنیت، محدوده‌های بحث مشخص شود. منظور از امنیت در این مقاله امنیت اطلاعات، ارتباطات و امنیت جسمانی و روانی است و حتی امنیت اقتصادی را نیز شامل می‌شود.

از همه این امنیت‌ها مهم‌تر، امنیت روانی افراد است. با فرض نبود امنیت روانی، جامعه

به راحتی خلیل پذیر خواهد بود. حتی به جرئت می‌توان گفت مبحث امنیت روانی، حاکم بر انواع امنیت است؛ یعنی کسی که اطلاعات و ارتباطاتش لو می‌رود یا از نظر مالی خللی بر او وارد شده و امنیت اقتصادی خود را از دست می‌دهد، بیش از همه از منظر روانی دچار مشکل شده و حس اعتماد خود را نسبت به دیگران از دست می‌دهد. این کار موجب می‌شود فرد هیچ‌جا حس امنیت نداشته باشد و فشار روانی زیادی را تحمل کند.

کاربران به علت حس وجود امنیت در شبکه‌های اجتماعی و حس ناشناسی، گاه اطلاعات و ارتباطات خود را در اختیار همگان قرار می‌دهند یا خود را در معرض چنین امری می‌گذارند. این حس امنیت را «امنیت سایبری» نام نهاده‌اند، اما از مبحث «امنیت سایبری» به سبب اختلاف در اهداف، برداشت‌های متفاوتی شده است. برخی هدف از امنیت سایبری را محافظت از حریم خصوصی افراد و سازمان‌ها دانسته‌اند و برخی دیگر هدف از آن را ایجاد امنیت کشور و امنیت ملی معرفی می‌کنند (Brey, 2007: 5-6).

در مسئله مورد نظر این مقاله، خانواده نیز باید این امنیت سایبری را برای فرزند خود فراهم کند؛ یعنی از طرفی نباید به حریم خصوصی او سرک بکشد و از سوی دیگر باید امنیت خانواده را حفظ کند. این دو نوع برداشت از امنیت سایبری سبب بروز تعارض‌های اخلاقی از این دست می‌شود که خانواده باید کدام‌یک از دو امنیت را با هم لحاظ کند؟ و چنانچه ناگزیر از انجام یکی و ترک دیگری شد، کدام‌یک بر دیگری مقدم می‌شود؟

۳. کنترل خانواده از منظر اخلاقی

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، یکی از وظایف اصلی خانواده ایجاد امنیت و آرامش برای اعضاست. از سویی حفظ حریم خصوصی افراد نیز از وظایف همگانی است که خانواده‌ها را نیز شامل می‌شود. حال اگر خانواده‌ها برای کنترل فرزندان خود مجبور به نقض یکی از این دو اصل اخلاقی شوند، کدام‌یک بر دیگری مقدم است؟ «گاهی عملی از منظر اخلاقی به خوب و خوب‌تر یا بد و بدتر منتهی می‌شود؛ حل چنین مسائلی نیاز به معرفتی خاص دارد. این معرفت از طریق نیروی عقل از درون فرد و نیروی نقل برگرفته از وحی، عهده‌دار داوری در چنین مسائلی خواهد بود» (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۳۳۹).

برای حل دوره‌های اخلاقی، از سوی اندیشمندان اسلامی «در لابه‌لای کتاب‌های

اصولی، تفسیری، اخلاقی، کلام و فلسفی، تکالیف اخلاقی ارائه شده است. باید توجه داشت راه‌حل‌های مطرح‌شده مانع‌الجمع نیستند و برای موارد خاص تعارض، راهکارهای خاصی اعمال می‌شود و در برخی موارد، راهکارهای متعدد به‌عنوان مکمل هم به‌کار می‌روند» (خادمی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۴۹). به‌طور عمده در میان اندیشمندان اسلامی تقدم امر مهم بر امر مهم‌تر شهرت بیشتری دارد.

یکی از راه‌های برون‌رفت از دوراهه‌های اخلاقی، محاسبه اهمیت هریک از دو اصل اخلاقی است. شناخت امر اهم امری صرفاً عقلانی است که جز با توجه و تفکر در هر امری ایجاد نمی‌شود. در مسئله مورد نظر، انسان میان دو کار بد می‌ماند که مجبور به انجام یکی از آنهاست؛ از این‌رو باید کار بدتر را کنار بگذارد و کار بد را انجام دهد. امام صادق (علیه السلام) فرمود: «عاقل آن نیست که تنها میان خوب و بد تمیز دهد، بلکه عاقل آن است که از میان بدها بهتر را بشناسد» (مجلسی، ۱۴۱۳، ج ۷۵: ۶). تاکنون ملاک‌های متفاوتی در تقدیم اهم بر مهم ارائه شده است. در این بخش می‌کوشیم این ملاک‌ها را بررسی و بر مصداق حاضر یعنی دوراهه اخلاقی احترام به حریم خصوصی یا حفظ امنیت تطبیق دهیم. تعارض و دوراهه اخلاقی مورد نظر همان‌طور که پیش‌تر نیز گفته شد، دوراهه‌ای واقعی است و فرض مقاله این است که راهی جز نقض یکی از این دو اصل وجود ندارد؛ به عبارتی دیگر خانواده‌ها در ابتدا موظفند از راه‌های دیگر مانند محبت، همدلی و مشاوره برای حل چنین معضلاتی استفاده کنند یا جمع هر دو اصل را وظیفه خود قرار دهند. اگر هریک از این راه‌ها جواب‌گو نبود مجبور به انتخاب یکی از اصول اخلاقی بر دیگری می‌شوند. با این توضیح، راه‌حل‌هایی مانند کنار گذاشتن هر دو اصل یا جمع دو اصل کنار خواهد رفت و تنها راه‌حل، انتخاب و ترجیح اصل مهم بر اصل مهم است.

۴. ملاک‌های تقدیم اهم بر مهم

۴-۱. تقدم امور اصلح

فیلسوفان اخلاق هریک نظریه‌هایی درباره ترجیح یک اصل اخلاقی بر دیگری ارائه کرده‌اند. وظیفه‌گرایانی مانند راس^۱ معتقد بودند وظایف اخلاقی مطلق نیستند و به این

1. W. D. Ross

وظایف تا زمانی عمل خواهد شد که عمل مهم‌تری نباشد و در صورت وجود عمل مهم‌تر کنار گذاشته می‌شوند؛ مثلاً راستگویی کار خوبی است، اما تا زمانی که عملی مهم‌تر جلوی آن را نگیرد (Ross, 1930: 20-21). این وظیفه‌گرایان قائل به انتخاب فرد براساس وظیفه هستند؛ یعنی فرد براساس نیت پیروی از قانون باید یکی از دوره‌هایی را که وظیفه خود می‌داند، انتخاب کند.

در مقابل، غایت‌گرایان نظریات متفاوتی ارائه و هریک مسئله‌ای را به‌عنوان نتیجه معرفی کرده‌اند. عده‌ای لذت را غایت دانسته و در دوره‌های اخلاقی طرفی که لذت بیشتری را به دست دهد، مقدم می‌دارند. سودگرایان اخلاقی نیز قائل بودند که باید سود و مصلحت انسان‌ها در افعال اختیاری آن‌ها ملاک خوبی و بدی اعمال باشد؛ از این رو عملی را اخلاقی می‌دانستند که بیشترین سود را برای بیشترین افراد به ارمغان بیاورد. عده‌ای از سودگرایان تنها سود فاعل را در نظر گرفتند و عده‌ای دیگر سود بیشترین افراد را لحاظ کردند. برخی فیلسوف‌های سودگرا سودها و لذت‌های معنوی را بر لذت‌های مادی ترجیح دادند و برخی دیگر بالعکس (Driver, 2014: 10).

اگرچه در قرآن کلمه سود و مصلحت به‌صورت واضح نیامده، اما بارها خداوند رستگاران را صالحان معرفی کرده است تا جایی که در سوره عصر همه انسان‌ها را جز کسانی که صالح هستند و اعمال نیکو انجام می‌دهند، زیان‌مند معرفی می‌کند (عصر: ۳-۱). یکی از معانی «صالح» در فرهنگ «المعانی»، به‌نفع‌بودن و به‌مصلحت‌بودن است. مسعودی در تعریف مصلحت می‌گوید: «مقایسه بین بدی‌ها و خوبی‌ها یا نقص‌ها و کمال‌ها و اینکه در انجام یا ترک هر کاری برآیند مثبت آن در نظر گرفته شود» (مسعودی، ۱۳۸۹: ۴۶). قرآن نیز عمل صالح را عملی می‌داند که به نفع دنیا و آخرت فاعل آن باشد که این عمل هم می‌تواند نفع شخصی خودش را لحاظ کند و هم می‌تواند به نفع جامعه مسلمان باشد. همچنین در احکام اسلامی مصلحت و سود افراد لحاظ شده است؛ مثلاً روزه‌داری در صورتی که به مصلحت فرد نبوده و سبب ضرر و زیان او شود، وجوبش از بین می‌رود. «هر عملی از نظر آثاری که در خارج دارد، به مصلحت یا عدم‌مصلحت متصف می‌شود. ترتب این آثار گاه مقطوع و زمانی مظنون و احیاناً مشکوک یا موهوم است؛ از این رو لازم است درجه انتظار حصول نتیجه در حکم به تقدیم و تأخیر ملاحظه گردد» (العالم، ۱۴۲۱: ۱۹۰).

اسلام با اصل مصلحت‌اندیشی و سودگرایی موافق است، اما خداوند را بهترین کسی می‌داند که می‌تواند سود و مصلحت افراد را مشخص کند؛ زیرا او خالق انسان است و از مصالح و مفاسد و اسرار زمین و آسمان اطلاع دارد (فرقان: ۶؛ طلاق: ۱۲).^۱ برای سودگرایی در اسلام دو شرط اساسی مشخص شده است تا براساس آن خودگرایی و مادی‌گرایی در محاسبه اولویت نداشته باشند. نخستین شرط آن است که سودها نباید صرفاً مادی باشند، بلکه سود اخروی مقدم بر سود دنیوی است؛ برای مثال صبرکردن بر مصیبت‌ها اگرچه سود دنیوی ندارد، ولی دارای سود اخروی است؛ از این رو خداوند در قرآن اجر صابر را در آخرت بدون اندازه و بی‌حساب معرفی کرده است (زمر: ۱۰).^۲ دوم آنکه در محاسبه سود و مصلحت نباید صرفاً سود فردی لحاظ شود، بلکه باید سود و مصلحت بیشترین افراد درگیر با یک مسئله ملاحظه شود.

۴-۲. مصلحت اخروی

شاید محاسبه مصلحت اخروی قدری مشکل‌نما باشد، اما می‌توان با مراجعه به منابع دینی اصیل اسلام، میزان مصلحت‌های اخروی و دنیوی را محاسبه و براساس آن، اصل اهم را مشخص کرد. در مسئله مورد نظر باید بینیم نقض حریم خصوصی کاربر با چه اصلی در اسلام در تضاد است و راه‌حل آن را بیابیم. می‌توان گفت که در اسلام نقض حریم خصوصی مترادف با تجسس کردن در امورات افراد است. در منابع اسلامی، تجسس کار زشتی قلمداد شده است که موجب عذاب اخروی نیز می‌شود (حجرات: ۱۲).^۳

به نظر می‌رسد منظور از تجسس در قرآن، جاسوسی کردن از احوال مردم برای استفاده کردن علیه آنان در مسیر غیرحق است؛ چراکه خداوند در قرآن بارها برخی تجسس‌کردن‌ها را مجاز شمرده است. برای مثال در آیه ۲۰ سوره قصص درباره جاسوسی مؤمن آل فرعون از دربار فرعون برای نجات جان حضرت موسی (علیه السلام) می‌فرماید: «وَجَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ يَسْعَى قَالَ يَا مُوسَى إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي

۱. «قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ غَفُوراً رَحِيماً»؛ «وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْماً»

۲. «إِنَّمَا يُؤْتَى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ»

۳. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا»

لک من الناصحین: و در این حال مردی (مؤمن) از دورترین نقاط شهر مصر شتابان آمد و گفت: ای موسی! رجال دربار فرعون در کار تو شورا می‌کنند که تو را به قتل رسانند. به زودی از شهر بیرون گریز که من درباره تو بسیار مشفق و مهربانم؛ یا در سوره نمل حضرت سلیمان، هدهد را برای جاسوسی از وضعیت دربار ملکه سبأ گسیل می‌کند (نمل: ۲۸)؛^۱ بنابراین می‌توان گفت تجسس کردن اگر دارای دو شرط بالا باشد، یعنی برای سوءاستفاده علیه فرد نباشد و برای انجام عمل حق باشد، مشکلی ندارد.

علاوه بر بررسی حریم خصوصی در منابع اسلامی، امنیت را نیز باید مورد کاوش دینی قرار داد. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، یک نکته مهم درباره اهمیت مصالح آن است که در محاسبه بیشترین مصلحت باید مصلحت‌های دینی و اخروی بر مصلحت‌های دنیوی مقدم باشد و مصالح کیفی جایگزین مصالح کمی شوند. برای محاسبه مصالح دینی و اخروی باید به ادله شرعی رجوع کرد و پس از تفحص کامل، دریافت که کدام یک از دو طرف تعارض مصلحت بیشتری دارد. در آیات قرآن، نجات دادن جان یک انسان اهمیتی در حد نجات دادن تمام انسان‌ها دارد (مانده: ۳۲).^۲ در روایات نیز حمایت از انسان‌ها و نجات جان و مال و آبروی آن‌ها با اهمیت معرفی شده است. برای مثال پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) می‌فرماید: «إِنَّ حُرْمَةَ عَرَضِ الْمُؤْمِنِ كَحُرْمَةِ دِمِهِ وَ مَالِهِ: حرمت حیثیت و آبروی مؤمن همانند حرمت جان و مال اوست» (تویسرکانی، ۱۴۱۳، ج ۵: ۲۲۶). همچنین در حدیثی دیگر برای کسانی که از آبروی مسلمانان دفاع می‌کنند می‌فرماید: «مَنْ رَدَّ عَنْ عَرَضِ أَخِيهِ كَانَ لَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ حِجَابٍ مِنَ النَّارِ: کسی که از حیثیت و آبروی برادر دینی خود دفاع کند، برای او هفتاد هزار سپر از آتش جهنم خواهد بود» (مجلسی، ۱۴۱۳، ج ۷۵: ۲۵۳)؛ بنابراین براساس ادله‌ای که حفظ امنیت را وظیفه افراد دانسته و نقض حریم خصوصی را اگر برای سوءاستفاده و ناحق نباشد، دارای مجوز می‌داند، حفظ امنیت خانواده امری اهم است و بر حفظ حریم خصوصی مقدم است.

۱. «أَذْهَبَ بَكْتَابِي هَذَا فَأَلْفَيْهِ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّى عَنْهُمْ فَأَنْظَرُوا مَاذَا يَرْجِعُونَ»

۲. «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بَعِيْرَ نَفْسٍ أَوْ فَسَادًا فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا»

۳-۴. مصلحت بیشترین افراد

مصالح عام شامل همه یا بیشتر مردم می‌شود، ولی مصالح خاص مصلحت افراد کمتری را لحاظ می‌کند. این قاعده بدین معناست که هرگاه دو اصل اخلاقی با هم تعارض کرد، باید اصلی انتخاب شود که بیشترین افراد را ذیل خود قرار می‌دهد (الخادمی، ۱۴۲۱: ۱۲۳)؛ بنابراین باید محاسبه کرد کدام یک از این دو اصل تعداد افراد بیشتری را شامل می‌شوند و بیشترین سود را برای بیشترین افراد لحاظ کرده و آن اصل را بر دیگری ترجیح دهیم. البته این نکته مهم است که نوع مصلحت و سود باید از طریق خداوند مشخص شود و قبلاً بیان شد که باری تعالی سود اخروی را بر سود دنیوی و سود جمیع مسلمین را بر سود یک فرد مقدم می‌داند.

همان‌طور که گفته شد در اسلام، مصلحت بیشترین افراد مدنظر است؛ بنابراین این پرسش پیش می‌آید که کدام یک از دو اصل، بیشترین مصلحت را به دنبال دارد؟ در این‌گونه موارد نمی‌توان حکم کلی داد و گفت همیشه حفظ امنیت کاربران مقدم است؛ از این‌رو در هر مسئله اخلاقی لازم است وظیفه افراد مشخص شود، اما می‌توان قواعدی را پیش‌فرض قرار داد تا برای موردهای مشابه اقدام مناسب صورت گیرد.

طبعاً برای هر فردی به‌تنهایی، حریم خصوصی‌اش مصلحت‌آمیزتر است، اما وقتی به دنبال یک قاعده کلی برای این مسئله باشیم، پی خواهیم برد که حفظ امنیت می‌تواند بر حفظ حریم خصوصی مقدم شود و فی‌الجمله مصلحت حفظ امنیت بیشتر است؛ زیرا نخست اینکه، حریم خصوصی صرفاً امری فردی است که تنها مصلحت آن فرد را مدنظر قرار می‌دهد، اما امنیت مسئله‌ای جمعی است که همه افراد خانواده از جمله خود فرد را نیز شامل می‌شود. اگر فرض بگیریم سرپرست خانواده به حریم خصوصی فرد احترام می‌گذارد و آن را نقض نمی‌کند و فرزند بی‌تجربه با بی‌مبالاتی، خود را به خطر انداخته است و مثلاً اطلاعاتی از خانواده را در اختیار افراد سودجو قرار داده است یا از او کلاه‌برداری شده و اطلاعات فردی یا پول از دست داده است، دقیقاً این مشکل‌ها بر چه کسانی تأثیر خواهند گذاشت؟ به نظر می‌رسد اگرچه حریم خصوصی امری کاملاً شخصی است، اما مشکلاتی که از کنترل‌نکردن فرزندان به وجود می‌آید شخصی نیست و تمام افراد خانواده را درگیر خواهد کرد؛ بنابراین سرپرست با نقض حریم خصوصی یکی

از فرزندان خود می‌تواند امنیت تمام خانواده حتی خود کاربر را نیز تأمین کند. دوم اینکه، حفظ امنیت حُسن ذاتی دارد؛ حفظ امنیتِ کاربران موجب آرامش روانی آنان در استفاده از شبکه‌های اجتماعی می‌شود. ما در ممنوع‌بودن نقض حریم خصوصی خواهیم گفت که به علت محرمانه‌بودن زندگی هر شخص، باید حریم خصوصی آن را تأمین کرد تا احساس امنیت کند، اما اگر امنیتِ تمام کاربران از بین برود، آیا این احترام‌گذاشتن به حریم خصوصیِ کاربر فایده‌ای دارد؟ آیا خود کاربری که به حریم خصوصی او احترام گذاشته شده است، حس امنیت می‌کند؟ بی‌شک اگر حفظ امنیت از بین برود، دیگر کسی جرئت استفاده از شبکه‌های اجتماعی را ندارد و از مزایای این شبکه‌ها بهره‌مند نمی‌شود؛ پس حریم خصوصی محصول امنیت است و اگر امنیت نباشد، به طریق اولی حریم خصوصی نخواهد بود.

پرسش این است که آیا تعداد افراد، نشان‌دهندهٔ اخلاقی‌بودن مسئله‌ای است یا خیر؟ حتی در برخی مسائل، انتخاب موضوعی با تعداد اندکی افراد، اخلاقی‌تر از موضوع با تعداد افراد بیشتر است. برای مثال اگر تعداد افراد نشان‌دهندهٔ اخلاقی‌بودن یک عمل باشد، باید در جنگِ کافران با مسلمانان که عموماً تعداد مسلمانان کمتر بوده است، حمایت از کفار را کار درستی بدانیم، چون تعداد افراد بیشتری را شامل می‌شود و حمایت از مسلمانان به علت کمتربودن کاری غیراخلاقی است؛ در صورتی که این انتخاب صحیح نیست.

در پاسخ باید گفت در این نوع مسائل، مانند جنگ کفار با مسلمانان و شبیه به آن، مسئله حق و باطل است؛ یعنی یک طرف حق (خوب) و طرف دیگر باطل (بد) قرار دارد. در میان انتخاب حق و باطل باید به مستندات و ادلهٔ هر یک از طرفین رجوع کرد و طرف حق را برگزید و با باطل به مبارزه پرداخت؛ اما در دوراهه‌های اخلاقی میان انجام دو امر بد گرفتار شده‌ایم و نمی‌دانیم کدام یک قابلیت انجام دارد؛ بنابراین مجبوریم تا راه‌حل‌های برون‌رفت از این شرایط را لحاظ کنیم که یکی از این راه‌ها، ملاحظهٔ تعداد افراد طرفین است.

درباره تقدم مصلحت‌ها باید به این نکته توجه داشت که منظور از مصلحت، مصلحت چه کسی است؟ و چه اندازه این مصلحت مهم است؟ بی‌شک مصلحت باید بیشترین افرادِ درگیر در فعل را مدنظر قرار دهد. شناخت مصلحت و کمیته‌بودن آن این محاسبه را

راحت تر خواهد کرد (خان محمدی و شاملی، ۱۳۹۵). برای مثال وقتی فرزند خانواده توسط هکرها یا گردانندگان شبکه‌های اجتماعی مورد حمله قرار گیرد، اطلاعات او دزدیده می‌شود که می‌تواند عکس‌ها و شماره تماس‌های خانوادگی باشد و با این کار تمام افراد خانواده متضرر می‌شوند؛ بنابراین مصلحت تمام افراد خانواده در اینجا بر مصلحت کاربر و حفظ حریم خصوصی آن مقدم است.

حال اگر فرض گرفته شود که با هک شدن کاربر هیچ اطلاعاتی از خانواده در دست دیگران نیفتاده است، به این شکل که کاربر مورد نظر عکس‌های خانوادگی و شماره تماس‌های افراد خانواده را در کامپیوتر یا گوشی نگهداری نمی‌کند، آیا باز مصلحت تمام افراد در مخاطره است؟ در این فرض، از بین رفتن امنیت فرد توسط هکرها یا گردانندگان شبکه‌ها یا افراد عادی به وسیله کلاهبرداری موجب بروز استرس، اضطراب و غم و اندوه برای آن او می‌شود و این ناراحتی در تمام افراد خانواده بروز خواهد کرد؛ بنابراین امنیت روحی تمام خانواده از بین می‌رود و در امنیت تفاوتی میان امنیت اجتماعی و روحی افراد نیست. از این رو محاسبه مصالح در اینجا حفظ امنیت را مقدم بر حفظ حریم خصوصی می‌داند. شاید به جرئت بتوان گفت حفظ کیان خانواده بر هر چیز دیگری از جمله حریم خصوصی مقدم است و وظیفه ابتدایی و مهم هر سرپرست، حفظ کیان خانواده است.

۴-۴. تقدم امر دارای مطابقت بیشتر با اهداف اخلاقی

یکی از راه‌های برون‌رفت از دوره‌های اخلاقی، تقدیم امری است که با اهداف اخلاقی مطابقت بیشتری داشته باشد؛ بنابراین در ابتدا شناخت اهداف اخلاقی هر فرد ضروری است و پس از آن می‌توان مسائل را بر آن اهداف حمل کرد و در صورت سازگاری با هدف، آن عمل خوب و در صورت ناسازگاری، آن عمل بد است. در این مقاله دو هدف را می‌توان مورد کاوش قرار داد: یکی هدف کاربر و دوم اهداف اخلاقی سرپرستان خانواده. متعلق این اهداف نیز می‌تواند بسیاری از چیزها باشد. مثلاً عده‌ای از غایت‌گرایان، هدف را سود عده‌ای دیگر، میزان لذت و غیره معرفی کرده‌اند، اما در این مقاله تلاش می‌شود تا براساس منابع و نظریات اخلاقی اسلام، اهداف اخلاقی افراد در اسلام مورد نظر قرار گیرد.

هدف از خلقت انسان‌ها در اسلام عبادت و قرب الهی معرفی شده است؛ از این رو فیلسوفان اخلاق اسلامی معتقدند هر عملی که افراد را بیشتر به خداوند نزدیک کند، اخلاقی و هر عملی که او را دورتر کند، غیراخلاقی است (شریفی، ۱۳۸۴). عملی سبب قرب الهی می‌شود که هم حُسن فاعلی داشته باشد و هم حُسن فعلی. در حسن فاعلی منظور آن است که عمل با نیت تقرب و رضای الهی انجام شود. منظور از حسن فعلی نیز آن است که عمل بالذاته عمل خوبی بوده و خداوند نیز به آن راضی باشد؛ بنابراین عملی که خودش خوب است و با نیت تقرب الهی انجام شود، عمل خوبی است. احترام به حریم خصوصی و امنیت هر دو با هم حسن فعلی دارند؛ یعنی بالذاته خوبند و اگر هر کدام با نیت قرب انجام شود، عملی کاملاً اخلاقی خواهد بود، اما در مورد تعارض این دو اصل، همان‌طور که پیش‌تر نیز گفته شد خداوند حفظ امنیت افراد را جزء وظایف انسان‌ها قرار داده است و از تجسس‌هایی که با هدف سوءاستفاده کردن و ناحق باشد، نهی کرده است؛ بنابراین اگر امنیت همه افراد خانواده حفظ شود و از اطلاعات افراد علیه آنان استفاده نشود، و راهی جز نقض حریم خصوصی کاربر برای رسیدن به آن امنیت نیز نباشد، آن عمل (حفظ امنیت) مورد رضای الهی است و اگر سرپرستان خانواده آن اعمال را نیز برای رضای الهی انجام دهند، ارزشی دوچندان خواهد داشت.

به‌طور خاص اولین و بالاترین وظیفه سرپرستان خانواده حفظ امنیت و کيان خانواده است و این وظیفه تفاوتی میان فضای حقیقی و فضای مجازی نمی‌گذارد. این هدف خاصی است که بیشتر از سرپرست خانواده برمی‌آید تا افراد دیگر. طبق این هدف دو وظیفه بر عهده سرپرستان خواهد بود: نخست آنکه باید از بروز هر چیزی که مانعی برای حفظ امنیت خانواده است، جلوگیری کنند و دوم اینکه نباید امنیت خانواده را خودشان به خطر بیندازند. نقض حریم خصوصی اگرچه با وظیفه دوم آن‌ها در تضاد است، اما امنیتی برای کاربر - حتی فردی که حریم خصوصی‌اش نقض شده است - ایجاد می‌کند؛ بنابراین حفظ امنیت کاربر و خانواده مطابقت بیشتری با اهداف اخلاقی سرپرستان دارد.

۴-۵. تقدم حفظ آبروی افراد بر هر چیز دیگر

استفاده از شبکه‌های اجتماعی گاه موجب بروز آسیب‌های جدی مانند هک شدن یا در

معرض عموم قرارگرفتن اطلاعات افراد می‌شود. مسئله اصلی آن است که خانواده چگونه می‌تواند از آبروی خود و فرزندان محافظت کند؟ بی‌شک بحث از پیشگیری از نشر اطلاعات و ارتباطات خانواده در این نوع شبکه‌ها موجب حفظ آبرو می‌شود؛ به عبارت دیگر خانواده برای پیشگیری از نشر اطلاعات فرزندان آن‌ها را رصد می‌کند تا بتواند با کنترل آنان و دادن آموزش‌های کافی برای استفاده صحیح از این نوع شبکه‌ها، اطلاعاتشان را مراقبت کند. به طور واضح شکستن حریم خصوصی برای پدر یک خانواده راهی برای کنترل و پیشگیری از نشر اطلاعات است و از این طریق می‌تواند با عملکرد فرزند خود به صورت کافی آشنا شده و از آن برای آموزش فرزند استفاده کند.

در میان علمای اسلام رسم است که در تعارض‌ها، حفظ جان و عرض را بر حفظ مال مقدم می‌دارند؛ چراکه این دو از مسائلی است که اگر از بین رفت یا به دست آوردنی نیست یا بازسازی آن امر بسیار دشواری است. برای مثال اگر جان انسان از بین رفت، دیگر چیزی نمی‌تواند جایگزین آن شود و آبروی انسان نیز اگر از بین رود، به وضع روز اول باز نمی‌گردد (حسن بن محمد دیلمی، ۱۴۰۸: ۳۰۳)؛^۱ اما بازگرداندن مال امکان‌پذیر است. حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) درباره تقدّم آبرو بر مال می‌فرماید: «مَنْ النَّبْلِ أَنْ يَبْدُلَ الرَّجُلُ مَالَهُ وَ يَصُونَ عِرْضَهُ: نشانه اصالت و بزرگواری است که کسی برای حفظ آبرو و حیثیت خود از مال و منالش بگذرد» (آمدی، ۱۴۱۰: ۶۷۷).

کاربران شبکه‌های اجتماعی به فراخور نیازهای این نوع شبکه‌ها اقداماتی انجام می‌دهند که ممکن است از طریق آنان اطلاعات و ارتباطات خود را در مخاطره قرار داده و امنیت خود و خانواده‌شان را از بین ببرند. در ابتدا ادله حفظ آبرو بر خود فرد وارد است؛ یعنی کاربر نباید کاری انجام دهد که آبروی خودش را در خطر اندازد (نهج البلاغه، نامه ۶۹).^۲ در بسیاری از موارد آبروی خانواده در خطر قرار می‌گیرد؛ برای مثال اگر کاربر از شبکه اجتماعی برون‌مرزی استفاده کند و در سیستم خود (کامپیوتر و موبایل) عکس‌های خانوادگی داشته باشد، ممکن است این اطلاعات و عکس‌ها از دو طریق در مخاطره باشد: نخست از جانب دیگر کاربران به وسیله هک شدن و دوم از

۱. «إِذَا رَقَّ الْعِرْضُ أُسْتُصْعِبَ جَمْعُهُ: وقتی آبرو ریخت و بی‌ارزش شد دیگر جمع‌آوری و جبران آن دشوار خواهد بود».

۲. «لَا تَجْعَلْ عِرْضَكَ غَرَضًا لِنَبَالِ الْقَوْلِ: آبرو و اعتبار خود را آماج تیرهای حرف مردم قرار مده».

طریق شبکه‌های اجتماعی؛ بنابراین قرارگرفتن عکس‌ها در دست دیگران می‌تواند موجب هرگونه سوءاستفاده مانند اخاذی و انتشار شود و از این طریق آبروی یک خانواده به خطر بیفتد.

حال این پرسش مطرح می‌شود که وقتی آبروی افراد در خطر است آیا بر حریم خصوصی مقدم است یا خیر؟ به‌جرئت می‌توان گفت حفظ آبرو بر هر چیزی به غیر از جان انسانی مقدم است؛ به‌ویژه اگر آبرو تنها آبروی کاربر نباشد، بلکه آبروی تمام افراد یک خانواده در معرض خطر باشد. در این موارد حفظ آبروی افراد خانواده بر حفظ حریم خصوصی افراد مقدم است و سرپرست خانواده می‌تواند با کنترل هدفمند، فرزندان را در مسیری قرار دهد که آبروی خانواده در خطر نیفتد.

اگرچه براساس ادله عقلی و شرعی در این موارد حفظ آبرو بر حریم خصوصی فرد مقدم است، اما وظیفه اخلاقی سرپرست خانواده این است که آبروی تک‌تک افراد خانواده برایش اهمیت داشته باشد؛ برای مثال پدری که از طریق نقض حریم خصوصی فرزند به دنبال حفظ امنیت و آبروی خانواده است، چنانچه با این نقض حریم خصوصی به اطلاعاتی دست یافت که ممکن است افشای آن در حضور سایر افراد خانواده موجب ازبین‌رفتن آبروی فرزند شود، نباید آن را علنی کند و آبروی فرزند را در خانواده ببرد. امام رضا(علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «مَنْ كَفَّ عَنْ أَعْرَاضِ الْمُسْلِمِينَ أَقَالَهُ اللَّهُ عَشْرَةَ يَوْمٍ الْقِيَامَةِ: كَسَى كَهْ مِنْهُ أَبْرُورِي وَ لَطْمَهُ زَنْدِنْ بِه حَيْثِيَّتْ مُسْلِمَانَانَ خُودْدَارِي كَنْد، خداوند از لغزش‌های او در روز قیامت گذشت خواهد کرد» (مجلسی، ۱۴۱۳، ج ۷۵: ۲۵۶)؛ بنابراین از وظایف سرپرستان خانواده حفظ آبروی تک‌تک افراد از جمله خود کاربر است.

۵. نتیجه‌گیری

فراگیری شبکه‌های اجتماعی موجب بروز آسیب‌های فراوانی به فرزندان شده است. خانواده‌ها در جهت حفظ امنیت فرزندان در برخی موارد مجبور به نقض حریم خصوصی آنان می‌شوند. قاعده تقدّم اهم بر مهم، خانواده‌ها را بر آن می‌دارد تا از میان این دو اصل یکی را انتخاب کنند. در این مقاله محاسبه مصلحت بیشتر، مطابقت با اهداف اخلاقی و تقدّم حفظ آبرو بر هر چیز دیگری، ملاک‌های تشخیص اهم بر مهم دانسته شدند و بر

مصادق مورد نظر مورد تطبیق قرار گرفتند.

براساس ملاک‌های نام‌برده شده، در دوراهه اخلاقی میان احترام به حریم خصوصی و امنیت تمام اعضای خانواده، حفظ امنیت خانواده و خود کاربر اصل اخلاقی اهم است، زیرا دارای مصلحت‌های بیشتر (مصلحت اخروی و تعداد افراد بیشتر) مطابق با اهداف اخلاقی است و موجب حفظ آبروی افراد می‌شود. این نقض حریم خصوصی، امنیت تمام افراد خانواده از جمله همان فردی را به دنبال خواهد داشت که حریم خصوصی اش شکسته شده است.

اخلاق چنین حکم می‌کند که خانواده‌ها تا جایی که امکان دارد، میان این دو اصل اخلاقی جمع کنند و به حریم خصوصی کاربران حرمت گذارند و تنها در جایی که هیچ راهی جز ورود به حریم خصوصی نیست، چنین مجوزی داده شود؛ بنابراین باید در ابتدا راه‌های دیگر امتحان شود و در صورت لزوم به حریم خصوصی کاربران ورود کنند. علاوه بر این همان‌گونه که پیش‌تر نیز گفته شد، یکی از ملاک‌های اهم، حفظ آبروی خانواده از جمله خود کاربر است و از نظر اخلاقی سرپرستان خانواده نباید کاری انجام دهند که آبروی فرزندشان را در مقابل سایر افراد خانواده ببرند.

کتابنامه

قرآن کریم

ایران‌پور، پرستو (۱۳۹۱). میزان سواد رسانه‌ای و نقش آن در استفاده از رسانه‌های تعاملی. (پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد). دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی تهران، تهران، ایران.

آمدی، عبدالواحد (۱۴۱۰). *غررالحکم و دررالکلم*. قم: دارالکتاب الاسلامی.

تویسرکانی، محمدنبی ابن‌احمد (۱۴۱۳). *لثالی الاخبار*. قم: مکتب‌العلامه.

جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۹۱). *مفاتیح الحیاه*. قم: اسراء.

حسن‌بن محمد دیلمی (۱۴۰۸). *اعلام الدین فی صفات المومنین*. قم: مؤسسه آل‌البتیت. خادمی، عین‌اله؛ حیدری، علی و عباسی‌کیا، کبری (۱۳۹۳). «ارزیابی راه‌حل‌های اندیشمندان اسلامی در مواجهه با تراحم تکالیف اخلاقی». *فصلنامه آینه معرفت*، شماره ۳۹، صص ۱۳۹-۱۵۲.

الخادمی، نورالدین (۱۴۲۱). *المصلحه المرسله حقیقتها و ضوابطها*. بیروت: دار ابن‌حز. خان‌محمدی، کریم؛ شاملی، علی‌اکبر (۱۳۹۵). «اخلاق اسلامی حریم خصوصی در شبکه‌های اجتماعی سایبری»، *مجله اسلام و مطالعات اجتماعی*، شماره ۱۴.

شریفی، احمدحسین (۱۳۸۴). *نقد و بررسی مکاتب اخلاقی استاد محمدتقی مصباح یزدی*. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

العالم، یوسف حامد (۱۴۲۱). *المقاصد العامه للشریعه الاسلامیه*، قاهره: دارالحدیث. کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰). *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ* (جلد ۱) (احد علیقلیان، افشین خاکباز و علی پایا، مترجمان). تهران: طرح نو.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۱۳). *بحارالانوار*. بیروت: دارالاضواء.

مسعودی، محمدهاشم (۱۳۸۹). *ماهیت و مبانی کلامی تکلیف*. قم: بوستان کتاب.

Bennett, C. (2001). Cookies, Web Bugs, Webcams and Cue Cats: Patterns of Surveillance on the World Wide Web. *Ethics and Information Technology*, 3 (3), 195-208.

Boyd, D. M., & Ellison, N. B. (2007). Social network sites: Definition, history, and scholarship. *Journal of computer-mediated communication*, <http://jcmc.indiana.edu/vol13/issue1/boyd.ellison.html>.

Brey (2007). Ethical Aspects of Information Security and Privacy. in: *Security, Privacy, and Trust in Modern Data Management*. M. Petković and W. Jonker

- (Eds.), Springer Berlin Heidelberg, 21-36.
- Cross, Richard (2006). Social Network Analysis: an introduction. Social Networking http://www.bioteams.com/2006/03/28/social_network_analysis.html.
- Driver, Julia (2014). The History of Utilitarianism. *The Stanford Encyclopedia of Philosophy* (Winter 2014 Edition), Edward N. Zalta (ed.), <http://plato.stanford.edu/archives/win2014/entries/utilitarianism-history>
- Flaherty, David H. (1989). *Protecting Privacy in Surveillance Societies: the Federal Republic of Germany, Sweden, France, Canada and the United States*.
- Gattiker, E. & Perlusz, Stefano & Bohmann, Kristoffer & Morck Sorensen, Christian, (2001). *The virtual community: Building on social structure, Relation and trust to achieve value*. in Community informatic reader, edited by Keeble, L and Loader, B. London and New York, Routledg.
- Lazer, David (2008). Introduction To Social Network Analysis. Director Program on Networked Governance Kennedy School of Government Harvard University.
- Ross, W. D. (1930). *The Right and the Good*. oxford university press.
- Shostack, A. and Syverson, P. (2004). *What price privacy, J. in Economics of Information Security*. The Netherland, Kluwer.
- Walther, J. B. & Ramirez, Jr. A. (2009). New technologies and new direction in nonlinear relating. In S. Smith, & S. Wilson (Eds.), *New directions in interpersonal communication*, 264-284, Thousand Oaks. CA: Sage.
- Westin, A. F. (1969). Privacy and Freedom. *Administrative Law Review*, Vol. 22, No. 1, 101-106.

